

سال‌هاست عادت کرده‌ایم هر بار که خبری از پرسپولیس می‌آید، یا پای یک قهرمانی وسط است یا یک بحران تمام‌عیار. حالا اما قصه، قصه یک انتخاب تازه است؛ انتخابی که شاید برای خیلی‌ها عجیب بود ولی برای من نه. وحید هاشمیان از آن دست آدم‌هایی است که اگر کمی دقیق‌تر نگاه کنیم، رد پای نظم، شخصیت و تعهد را در تمام سال‌های فوتبالی‌اش می‌بینیم. پرسپولیس از انتخابش پشیمان نمی‌شود، او یک ناظم واقعی است. وحید را از نزدیک می‌شناسم؛ هم در پرسپولیس، هم در تیم ملی. مردی با چهره‌ای آرام و بی‌حاشیه که زیر این آرامش، یک آتشفشان از انگیزه و جاه‌طلبی خوابیده. چه در آلمان، چه در اردوهای تیم ملی، او همیشه همان بازیکن منظم و کم‌حرفی بود که به جای مصاحبه‌های پرطمطراق، جوابش را در زمین می‌داد. حالا این خصوصیت‌ها، همان برگ برنده‌ای است که پرسپولیس برای گذر از این پیچ سخت به آن احتیاج دارد.

خیلی‌ها می‌پرسند آیا هاشمیان تجربه کافی برای هدایت پرسپولیس را دارد؟ جواب من یک کلمه است: بله. تجربه فقط به سال‌های مربیگری روی نیمکت خلاصه نمی‌شود؛ تجربه یعنی زیستن در فوتبال حرفه‌ای، یاد گرفتن از بزرگ‌ترین مربیان دنیا، نفس کشیدن در جو رقابتی بوندس‌لیگا و لمس جزئیات. وحید در همین مسیر رشد کرده، سختی کشیده و امروز به بلوغی رسیده که بتواند سکان قرمزترین تیم آسیا را به دست بگیرد.

این روزها دوباره حرف از حاشیه‌هاست، از نقل‌وانتقالاتی که پیش‌تر با نظر کار탈 انجام شد. قبول دارم که کار را حتی نیست اما مگر فوتبال کار راحتی بوده؟ اتفاقاً همین چالش‌هاست که عیار یک مربی و شخصیت یک تیم را نشان می‌دهد. بازیکنانی که جذب شده‌اند، از بهترین‌های ایرانند و با مدیریت دقیق و اعتماد به هاشمیان، می‌شود یک تیم مدعی و متحد ساخت.

هواداران عزیز! ما همیشه شعار داده‌ایم که پرسپولیس یعنی اتحاد. حالا وقت عمل است. از شما می‌خواهم همان‌طور که پشت مربیان خارجی می‌ایستادید، حالا کنار یک مربی ایرانی بایستید. مربی‌ای که رگ و ریشه‌اش از جنس خود ماست، خاک این فوتبال را خورده و زیر پرچم همین تیم برای افتخار جنگیده. پرسپولیس در این برهه بیش از هر زمان دیگری به حمایت نیاز دارد؛ نه شعارهای مقطعی، نه وعده‌های اینستاگرامی. حمایت واقعی یعنی صبر. یعنی اعتماد، یعنی همراهی در روزهای سخت. من به هاشمیان ایمان دارم. ایمان دارم که می‌تواند تیم را از این گذرگاه عبور دهد، فقط اگر ما هم کنار او بایستیم.

باید حاشیه‌ها را کنار بگذاریم، باید انتقادها را سازنده کنیم و باید یادمان بماند پرسپولیس فقط یک تیم نیست. یک عشق، یک فرهنگ، یک راه و رسم زندگی است. حالا که قرار است وحید این کشتی را هدایت کند، بیایید هوای هاشمیان را داشته باشیم. این وظیفه همه ماست.

خبر

خاکسپاری ژوتا با حضور پرشمار اهالی فوتبال

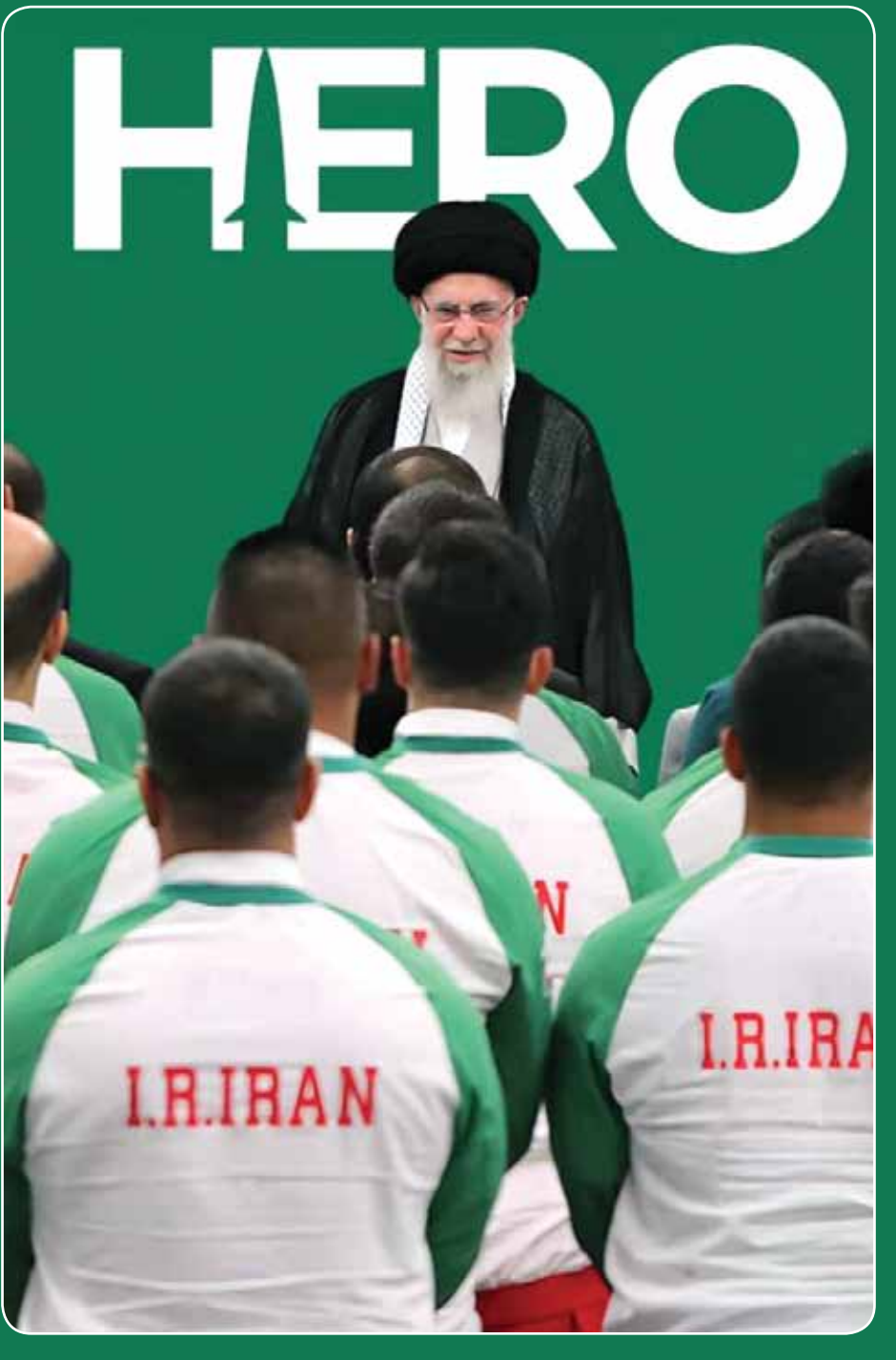


مراسم خاکسپاری دیگو ژوتا، بازیکن پرتغالی فقید تیم فوتبال لیورپول که روز پنجشنبه همراه با برادرش آندره سیلوا در سانحه رانندگی در شهر سامورای اسپانیا جان سپردند، شنبه در شهر گوندومار پرتغال برگزار و پیکر او به خاک سپرده شد.

در این مراسم علاوه بر گروه پرشماری از آشنایان و نزدیکان، بسیاری از هم‌تیمی‌های او در تیم‌ملی پرتغال مانند برونو فرناندرز، برناردو سیلوا و همچنین یارانش در لیورپول از جمله فیرجیل فن‌دایک حضور داشتند. یکی از این افراد روبن نوس، بازیکن پرتغالی تیم فوتبال الهلال بود. او در حالی خودش را به پرتغال رساند که جمعه الهلال را در بازی مقابل تیم فلامیننزه برزیل در مرحله یک‌چهارم نهایی جام‌جهانی باشگاه‌ها همراهی کرد و البته تیمش حذف شد.

چهره‌های برجسته دیگری مانند ژرژ مندرز ایجنت معروف پرتغالی و نونو اسپریتو سانتو سرمربی پرتغالی سابق ناتنهام، اندرمویلانش یواش سرمربی پیشین چلسی و مارسلو ربلو دوسوزا رئیس‌جمهور پرتغال حضور داشتند. تونی اولیویرا، سرمربی پرتغالی پیشین تیم فوتبال تراکتور هم جزو شرکت‌کنندگان در مراسم خاکسپاری ستاره فقید لیورپول بود.

ژوتای ۲۸ ساله و برادر ۲۵ ساله‌ش در مسیر بازگشت به لیورپول به دلیل نقص فنی خودروی لامبورگینی متعلق به بازیکن فقید لیورپول دچار حادثه شدند که طی آن خودرو دچار حریق شد و هر ۲ سرنشین آن جان سپردند.



یک زن آفریقایی تبار جانشین توماس باخ شد؛ دغدغه تقابل با ترامپ

بحران حلقه‌ها

از دیگری رخ داده‌اند و بنیادهای شهری که باخ به آن افتخار می‌کرد، حالا زیر فشار فرمان‌های سختگیرانه و سیاست‌های امنیتی دولت آمریکا در حال فروپاشی است.

■ **ورزش؛ ابزاری برای قدر تنمایی**

دونالد ترامپ پیش از شروع کار کمیته سازماندهی بازی‌ها وعده حمایت کامل داد اما ورزش در دست او نه به عنوان فرصتی برای اتحاد جهانی، بلکه به ابزاری برای خودنمایی، ناسیونالیسم و تقویت دستگاه امنیتی تبدیل شده است. ممنوعیت سفر ورزشکاران از ۴۸ کشور و تهدید به قطع بودجه حمل‌ونقل برای شهرهایی که به سیاست‌های مهاجرتی او اعتراض کرده‌اند، نمونه‌های آشکار این سیاست‌هاست.

■ **بحران حمل‌ونقل و ممنوعیت سفر**

لس آنجلس برای برگزاری این رویداد نیازمند بودجه هنگفتی برای حمل‌ونقل است اما در سایه تهدیدهای وزارت حمل‌ونقل ترامپ، این بودجه در خطر قرار گرفته است. به علاوه، ممنوعیت ورود ورزشکاران از کشورهای که در بازی‌های ۲۰۲۴ پاریس حضور داشتند، بار دیگر

ادامه از صفحه اول

■ **«ای ایران بخوان...»**

رهبر انقلاب با خطاب قرار دادن محمود کریمی، مداح جلسه برای خواندن نوای «ای ایران» یک وضعیت ملی‌گرایانه‌ای

را پمپاژ کردند که در دوران جنگ ۱۲ روزه بخوبی در پیام‌های‌شان آن را ایجاد کرده بودند. وضعیتی که «ای ایران» در فضای مجازی به وجود آورد، همراه با غلیان احساسات پیرامون ایران به عنوان مهم‌ترین دارایی مشترک همه ایرانیان و عاملی برای ایجاد اتحاد و همبستگی شد. وضعیتی که در حسینه امام ایجاد شد، تعبیر زیبای شهید مطهری را بازنمایی کرد: «ایران برای اسلام» و «اسلام با پرچم ایران». با توجه به بازنمایی‌های



یادداشت

اصل ولایت بر خاست

ادامه از صفحه اول

رهبری اما دست دشمن را از مدت‌ها قبل خوانده و هشدار داده بودند در دام چنین اشتباهی نیفتند که ایران ضعیف شده و اکنون وقت ضربه‌زدن است اما چه ایشان و چه مردم در طول این سال‌ها بارها معادله پیروزی و تحمیل شکست بر او را تمرین کرده‌اند؛ معادله‌ای که یکسر آن ایمان رهبر انقلاب به مردم و سر دیگر آن ایمان مردم به رهبری نظام اسلامی است؛ ایمانی که دوسر آن ریشه در باور به حاکمیت مطلق الله بر ساحت هستی دارد. ایمان رهبر معظم انقلاب به مردم، همان ولایت جمعی موجود در جامعه پایامان ایران است که منجر به استقرار و تثبیت باور ما می‌توانیم شده است. ایمان مردم به رهبر انقلاب، همان باور به ولایت فقیه عادل، شجاع، متقی، زمان‌شناس، ایران‌شناس، مردم‌شناس و عزت‌مدار ایران اسلامی است. دشمن، اصل ولایت را نشانه گرفت اما بدتر



یادداشت

حضور چشمگیر جامعه ورزش در پویش «قهرمان»

یک صدا یک پرچم

سختی‌هاست که عیار واقعی قهرمان مشخص می‌شود. امروز هم همان روز است. این اتحاد، زیباترین مدال زندگی ما است.»

این موج تازه، یادآور همان روزهایی است که ورزشکاران در دوران دفاع‌مقدس، بدون ادعا در کنار رزمندگان حاضر می‌شدند. آن روزها، قهرمان بودن یعنی جان دادن برای خاک و مردم. امروز، هرچند میدان جنگ عوض شده، اما اصل ماجرا همان است: مقاومت، ایستادگی، عشق به وطن.

این همدلی ورزشی‌ها، قدرت نرم ایران را در داخل و خارج از مرزها به رخ می‌کشد. وقتی فوتبالیست، کشتی‌گیر، جودوکار و پارالمپین، همه با هم یک پیام را مخابره می‌کنند، صدای ایران چند برابر شنیده می‌شود. جوان‌هایی که روزانه میلیون‌ها نفر دنبال‌شان می‌کنند، حالا با یک استوری یا یک جمله، در دل‌ها امید و غیرت تزریق می‌کنند.

■ **پویش به سرعت ادامه دارد**

تا لحظه تنظیم گزارش، فدراسیون‌های ورزشی نظیر اسکی، بدمینتون، تیراندازی با کمان، تکواندو، ژیمناستیک، ووشو، گلف، فوتبال، بسکتبال، جابنازان و توان یابان، کشتی، سوار کاری، کوهنوردی، شمشیربازی، تنیس روی میز، انجمن‌های ورزشی، ناشنوایان، ورزش‌های همگانی، کاراته، روتینگ، موتورسواری و اتومبیلرانی، وزنه‌برداری، جودو، نایبانیان و کم‌بینایان، ورزش‌های آبی، ورزش دانشگاهی، نجات غریق، هندبال، بولینگ و بیلارد، تیراندازی، آمادگی جسمانی، اسکیت، تنیس، بیماران خاص و پیوند اعضا، باشگاه‌های

ورزشی از جمله پرسپولیس، استقلال، سپاهان، کمیته ملی پارالمپیک و چهره‌هایی نظیر علیرضا دبیر، آرش میراسماعیلی و روح‌الله رستمی با انتشار تصاویری در فضای مجازی، به حضور رهبر انقلاب در مراسم شب عاشورا واکتش نشان دادند و به پویش قهرمان پیوستند. در پایان، شاید هیچ واژه‌ای نتواند این موج ملی را بهتر از همان کلمه ساده «قهرمان» توصیف کند. قهرمان، نه فقط بر سکوی المپیک، بلکه در قلب مردم و در کنار فرمانده.

تصاویر حضور مقتدرانه و آرامش‌بخش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در مراسم شب عاشورا بار دیگر موجی از غرور ملی و همبستگی را در سراسر کشور به راه انداخت اما این بار، این اتساق در فضای ورزش کشور جلوه‌ای خاص و متفاوت داشت. درست در همان ساعاتی که عکس‌های شب عاشورا مخابره شد، پویشی به نام «قهرمان» در میان ورزشکاران و هواداران و اهالی ورزش به راه افتاد؛ پویشی که نشان داد «قهرمان بودن» فقط به گرفتن مدال و بالا بردن جام محدود نمی‌شود، بلکه گاهی در ایستادگی و همدلی، معنا پیدا می‌کند. جایی که سکوت را باید شکست.

ورزشکاران شاخص هم ساکت نماندند. آرش میراسماعیلی، رئیس فدراسیون جودو و قهرمان نام‌آشنای آسیا گفت: «ما یاد گرفتیم قهرمان واقعی، کسی است که شجاعانه پای اعتقادات و ارزش‌هایش بایستد. این پویش، تجدید میثاقی دوباره با فرهنگ عاشورا و ولایت است.» روح‌الله رستمی، قهرمان پاراوزنه‌برداری، در یک استوری اینستاگرامی نوشت: «تمام مدال‌های دنیا، یک طرف؛ دلگرمی رهبر عزیزمان، یک طرف دیگر. ما تا آخر ایستاده‌ایم.» او در مصاحبه‌ای کوتاه هم تأکید کرد: «همیشه گفته‌ام، هیچ افتخاری بالاتر از خدمت به مردم و کشور نیست. این پویش، تجلی همان باور قدیمی است.»

■ **تیم ملی فوتبال ایران هم بلافاصله به این پویش پیوست**

جالب است که این موج محدود به فوتبال یا رشته‌های مرخاطب نبود. از وزنه‌برداری گرفته تا کشتی، از تکواندو تا ووشو، همه و همه با انتشار پست، استوری و بیانیه به این حرکت پیوستند. برخی ملی‌پوشان در اردوها و تمرینات خود پیش از آغاز کار، شعار «قهرمان» سر دادند و حالا تصویر رهبر انقلاب کنار ورزشکاران هزاران بار در شبکه‌های اجتماعی بازنشر شده است.

از آن سو، فدراسیون‌ها نیز یکی پس از دیگری با صدور بیانیه‌های جداگانه، این پویش را تأیید کردند. بهزاد امیری، یکی از چهره‌های موفق ووشو، در گفت‌وگویی عنوان کرد: «ما ورزشکارها همیشه می‌گوییم در

چشم‌انداز یک المپیک فراگیر را به خطر انداخته است.

■ **چالش کریستی کاونتری**

کریستی کاونتری، رئیس جدید IOC، امروز برابر یک آزمون بزرگ قرار دارد: آیا توان مقابله با سیاست‌های زن‌ستیزانه و قلدرمآبانه ترامپ را دارد؟ منشور المپیک بر مقبله با هر نوع تبعیض تأکید دارد و حالا ژمن آن رسیده که این حرف‌ها رنگ عمل به خود بگیرد. آینده کمیته بین‌المللی المپیک وابسته به رهبری جسورانه و تصمیمات شجاعانه کاونتری است.

■ **سخن آخر**

وقتی ورزش و سیاست به هم می‌آمیزند، تأثیرات گسترده‌ای به‌جا می‌ماند. حالا در ۲۰۲۸، جهان چشم به لس آنجلس دوخته است؛ جایی که آیا می‌توان المپیک بدون تبعیض و سیاست‌های مخرب ساخت؟ جواب این سوال شاید تنها در دستان یک زن باشد.

پیام‌های قهرمانانه یک حضور

مداح برای اینکه «ای ایران» بخوان، برای یادآوری این است که ایشان وطن دوست‌ترین شخصیت سیاسی ایران هستند.

«ای ایران بخوان ...» برای برخاستن ملت در برابر نیت شوم تجزیه‌طلبانه شیاطین خارجی و دستان شوم آنها بود. «ای ایران بخوان ...» ضربه‌ای هم بر لفاظی‌هایی تهی از بی‌معنای اپوزیسیون سلطنت‌طلب به اصطلاح ایران‌دوست بود که ایران نه آن تمنایی که شما دارید برای پر کردن جیب و نشان دادن تشنگی دائمی‌تان برای دیده شدن، بلکه یک فریاد برای انسجام سرزمین تاریخی با میراث کهن، زنده و واقعی است.

■ **چگونگی حضور**

پیام دیگر چگونگی حضور رهبر انقلاب بود. درباره رهبر انقلاب دیده شد که رسانه‌ها و نیروهای ضد



ایرانی خوانشی روانشناختی از رعایت الزامات حفاظتی ارائه دادند مبنی بر اینکه رهبر انقلاب در وضعیتی از «ترس» قرار داشته‌اند. چگونگی حضور ایشان در ملاعام و در حسینه امام، علاوه بر پیام‌هایی برای بسیج افکار عمومی، این خوانش روانشناختی را دچار گسست و عدم حضور را از روایت جریانات ضداثراتی جدا کرد و غیبت را به تکنیک عملیات میدانی برای کنترل و هماهنگی وضعیت سیاسی و نظامی تبدیل کرد.

به نظر می‌رسد رهبر انقلاب به صورت دقیق پازل‌های مختلف را در کنار هم قرار دادند تا هم میدان سیاسی و هم میدان نظامی آن گونه‌ای معنا پیدا کند که بتواند بیشترین دستاورد را برای ایران به دست آورد. همین موضوع آخرین قدم برای تقویت و استحکام آن چیزی بود که در دوره جنگ به وجود آمد.

